



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۶/۱۹

محمد مُجق

درنگی بر موضوع قربانی (۱)

شماری از دوستان خواستند به پرسش‌هایی که در باب قربانی در اسلام وجود دارد بپردازم. مدتی است که نه حوصله پرداختن به این مسایل را دارم و نه وقت چندان. با این هم نکات مختصری را، هرچند با تاخیر، در این زمینه به عرض می‌رسانم:

- فرمان انجام قربانی در قرآن مجید به صراحت نیامده است. تنها موردی که به آن استناد می‌شود کلمه "فانحر" در سوره کوثر است، ولی این کلمه قطعی الدلاله نیست. نحر در عربی به معنای بریدن گلوگاه شتر است. اما شماری از مفسران آن را به معنای نهادن دست در هنگام نماز بر روی سینه تفسیر کرده‌اند. همچنان، آن آیه خطاب به خود پیامبر اسلام است و معلوم نیست که شامل حال دیگر مومنان هم می‌شود یا خیر. از خود آیه چیزی دانسته نمی‌شود. یکی از قرآینی که اهمیت حکمی را نشان می‌دهد وجود وعید، یعنی تهدید به عذاب، در صورت ترک یک عمل است، و در مورد ترک قربانی چنین وعیدی در قرآن وجود ندارد. احادیثی که در این باب است برخی جنبه تشویق دارد، و برخی جنبه تاکید، اما هیچ حدیثی قطعی الثبوت نیست. بناً به این ملاحظات، در میان مذاهب فقهی در باره آن اختلاف وجود دارد که آیا سنت است یا واجب. همچنان در مورد ترک آن اختلاف است که حرام است یا مکروه. در مورد شماری از صحابه، به شمول حضرات ابوبکر و عمر آمده است که گاهی قربانی را ترک می‌کردند تا کسی گمان نکند که فرض یا واجب است.

- اهمیت برجسته‌ای که امروزه به قربانی در جوامع اسلامی داده می‌شود و این‌که ترک آن به مثابه گناهی کبیره شناخته می‌شود یک عرف فرهنگی است و مبتنی بر حکم قطعی اسلام نیست. دقیقاً مانند ختنه که در اسلام تنها سنت است و هیچ گاه به حیث فرض مطرح نبوده است، اما بناً به عرف‌های فرهنگی از فرض‌ها مهم‌تر تلقی می‌شود. یا مانند نماز تراویح که اهمیت بسیار اندکی دارد، و نه تنها فرض نیست بلکه از سنت‌های موکده نیز کراهیت‌تر است، اما در عرف مسلمانان سنی‌مذهب از فرض‌ها جدی‌تر گرفته می‌شود. قربانی نیز اگر ترک شود گناه نیست، بلکه مسئله‌ای اختلافی است.

- یکی از پرسش‌هایی که در این باب مطرح می‌شود مربوط به اقدام حضرت ابراهیم برای سربریدن فرزندش است که گویا سربریدن گوسفند جایگزین آن شد و گویا قربانی گوسفند از سوی مسلمانان ادامه آن سنت است. این موضوع بسیار مناقشه برانگیز است. پرسش فلسفی-کلامی‌ای که در این باب مطرح می‌شود این است که اگر کسی احساس کند که به وی الهام یا وحی شده، و او شخصاً به آن یقین پیدا کند، تا فرزندش را سر برید، آیا اخلاقاً اجازه دارد چنین کاری بکند؟ نقل دیدگاه‌های مختلف در این باره نیاز به مقاله‌ای مفصل دارد. برخی از قدما از جمله ابن عربی گفته‌اند که حضرت ابراهیم خوابی دید، اما چون علم تعبیر خواب را نداشت، آن را اشتباه فهمید و هنگامی که می‌خواست بر اساس تعبیر اشتباه خواب به ذبح فرزند خود اقدام کند خداوند دخالت کرد و به او فهماند که اشتباه کرده است و باید گوسفندی را ذبح کند. این یکی از تاویل‌های این داستان است. شماری از متالهان/متکلمان اصل داستان را نمادین می‌دانند و معتقدند که چنین چیزی در عالم واقع رخ نداده بلکه ذبح فرزند در داستان ابراهیم تمثیلی از قربانی کردن تعلقات خاطر و عبور از دل‌بستگی‌های عمیق در زندگی در برابر امور ایمانی است. اما سربریدن فرزند یا هر انسان دیگری، فاقد توجیه اخلاقی است.

- شماری به این نظرند که قربانی کردن گوسفند جایگزین سنتی در دنیای باستان است که در مناسک و آیین‌های مذهبی شان جوان یا جوانی را در برابر بت‌ها یا خدایان قربانی می‌کردند. از نظر تاریخی رد پای چنین سنتی در برخی از مناطق جهان دیده شده است، ولی این که سنتی گسترده و شایع بوده است ثابت نیست و در این باره مبالغه می‌شود. این‌که آیا عمل حضرت ابراهیم در پاسخ به آن سنت بوده است هنوز به ثبوت نرسیده است. یعنی قرآین تاریخی کافی در اختیار نداریم، و تنها تاویل یک متالوژی و اسطوره دینی است.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خيږ و لولئ

- ریختن خون در پای خدایان، در معابد یا میادین عمومی که نماد آن‌ها را نصب می‌کردند امری شایع‌تر بوده است و باستان‌شناسان رد پای آن را در مناطق مختلف جهان پیدا کرده‌اند. سنت ختنه نیز بنا به قرآینی ادامه همان ریختن خون در مناسک دینی است، چراکه در شماری از ادیان باستانی مراسمی برای ریختن خون آلت تناسلی در معبد وجود داشت که با آن دوره جدیدی در زندگی فرد شروع می‌شد و او وارد التزام به مکلفیت‌های دینی می‌گردید، مانند غسل تعمید در برخی از مذاهب مسیحی. ریختن خون قربانی نیز می‌تواند ریشه در چنان سنتی داشته باشد.

- کشتن حیوانات در عصر حاضر با مناقشات بیش‌تری همراه است، زیرا دانش ما در باره حیوانات افزایش یافته است و امروزه به لحاظ علمی ثابت است که آنان مانند انسان‌ها درد می‌کشند، رنج می‌برند، می‌ترسند، و برای بقا و حفظ حیات خود تقلا می‌کنند. در اسلام هم تاکید شده است که در هنگام سربریدن حیوان تمام تلاش صورت بگیرد که به شکل آسان‌تر و درد کمتری این عمل انجام شود. همچنان در روایاتی آمده است که یک حیوان را در برابر چشم حیوان دیگری سر نبرید زیرا برای او دردناک و وحشت برانگیز است. امروزه اگر راهی باشد که حیوان قبل از سربریدن بیهوش شود تا درد نکشد بسیار اخلاقی‌تر از کشتن آن به شکل وحشیانه‌ای است که در برخی جوامع دیده می‌شود.

- تا زمانی که جایگزین بهتری برای تامین غذا های پروتئین‌دار در سطح گسترده فراهم نشده و فرهنگ غذایی اصلاح نشده است، مبارزه با کشتن حیوانات کاری دشوار است و نتیجه چندان نمی‌دهد. اما صنعتی شدن این عرصه و برانگیختن حرص و آز آدمی برای گوشت‌خواری بیش‌تر به قصد تجارت عملی غیر اخلاقی است و با اصل نیاز آدمی به شکل ساده‌ای که در جهان قدیم وجود داشت بسیار فرق دارد. امروزه حیوانات در سرتاسر جهان ابزار پول‌اندوزی شرکت‌ها و افراد حریص شده‌اند و به شکلی وحشت‌ناک مورد آزارهای گوناگون قرار دارند. اگر از منظر دینی یا اخلاقی به آن بپردازیم، برای انسانی که خود را اشرف مخلوقات می‌داند این کار عملی به شدت غیر اخلاقی است، و اگر قرار است که انسان خلیفه خدا در زمین باشد باید بیش‌ترین آرامش را به دیگر مخلوقات خدا برساند. امروزه به عکس، می‌بینیم که آدمی در خشک و دریا به جان حیوانات بی‌ زبان افتاده و زندگی آن‌ها را به جهنم تبدیل کرده است. این روند فاجعه‌ای وحشتناک است و معلوم نیست که عاقبت آن چه خواهد شد.

- من معتقدم که بهتر است در جوامع اسلامی آن دیدگاه فقهی برجسته گردد که قربانی را واجب نمی‌داند، و ترک آن را تنها مکروه می‌شمارد نه گناه. نباید از آدرس دین تشویق گسترده به حیوان‌کشی صورت بگیرد. این کمترین کار اخلاقی است که در این باب می‌توان کرد.

مطالب دیگر از جناب مُجق را لطفاً در این لینک مطالعه کنید